

مجله پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز

دوره یازدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۸، پیاپی ۷۶/۳، صفحه‌های ۱۶۵-۱۹۳

(مجله علوم اجتماعی و انسانی پیشین)

بررسی رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و مدیریت سود

محمد شکری دوغ‌آبادی*

دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)

دکتر مهدی مرادی**

دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

قابلیت مقایسه یکی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات در مبانی نظری حسابداری و گزارشگری مالی است که استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی را قادر می‌سازد شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود بین دو مجموعه از اطلاعات را شناسایی و درک کنند و در تصمیم‌گیری‌های خود مدنظر قرار دهند. مدیریت سود با دست‌کاری صورت‌های مالی، باعث گمراه شدن استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی می‌شود که با استفاده از دو روش دست‌کاری اقلام تعهدی و واقعی امکان‌پذیر است. هدف این پژوهش، بررسی رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و مدیریت سود است. پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از بعد روش‌شناسی از نوع همبستگی است. در این پژوهش، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با استفاده از مدل دی فرانکو و همکاران (۲۰۱۱)، مدیریت سود تعهدی با استفاده از مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) و مدیریت سود واقعی با استفاده از مدل رویچوداری (۲۰۰۶) اندازه‌گیری شده است. برای انجام پژوهش، اطلاعات مربوط به ۱۴۶ شرکت، طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ گردآوری شده است. مدل آماری به کار گرفته شده، مدل رگرسیون چندمتغیره است و برای آزمون فرضیه‌ها از داده‌های ترکیبی استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی رابطه معناداری وجود ندارد.

کلیدواژه‌ها: مدیریت سود، مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی، مدیریت سود واقعی، قابلیت مقایسه حسابداری.

* کارشناسی ارشد حسابداری (نویسنده مسئول) drshekariphd@gmail.com

** استاد گروه آموزشی حسابداری دانشکده علوم اداری و اقتصادی mhd_moradi@um.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۲۲

۱. مقدمه

هدف صورت‌های مالی، ارائه اطلاعاتی قابل اتکا درباره عملکرد و انعطاف‌پذیری مالی یک شرکت است که استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی در اتخاذ تصمیمات اقتصادی، استفاده نمایند (دستگیر، ۱۳۹۲). وجود تضاد منافع و عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیریت و مالکیت و بروز رسوایی‌های مالی، باعث بروز پدیده مدیریت سود با دست‌کاری صورت‌های مالی می‌شود (دستگیر، ۱۳۹۲). اختیار عمل مدیران در استفاده از اصول تحقق و تطابق، برآورد و پیش‌بینی و اعمال روش‌هایی نظیر تغییر روش ارزیابی موجودی کالا، استهلاک سرفلزی از جمله مواردی هستند که مدیران می‌توانند از طریق اعمال آن‌ها، سود را تغییر دهند (نمازی، بایزیدی و جبارزاده کنگرلویی، ۱۳۹۰). اطلاعات مالی شرکت‌ها در بازار سرمایه می‌تواند بر چگونگی تفسیر و واکنش سرمایه‌گذاران نسبت به اطلاعات مالی افشاشده اثر بگذارد؛ بنابراین بر میزان توانایی مدیریت در تأثیرگذاری بر بازار از طریق گزارشگری مالی دست‌کاری‌شده نیز مؤثر است (باباجانی، تحریری، ثقفی و بدری، ۱۳۹۳). رسوایی شرکت‌های مشهوری همچون انرون و سایر شرکت‌ها، بیانگر مثالی از مدیریت سود و رفتارهای فرصت‌طلبانه‌ای هستند که باعث عدم اعتماد سرمایه‌گذاران شده‌اند و در سطح جهانی، مدیران و حساب‌برسان را در معرض پرس‌وجوهای قانون‌گذاران قرار داده‌اند. نتیجه این رسوایی‌ها، سقوط شدید اوراق بهادار را در پی خواهد داشت. تدوین استانداردهای حسابداری گاهی دست مدیران را در انتخاب روش حسابداری باز می‌گذارد. مدیریت سود گاهی باعث گمراهی استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی می‌شود، در صورتی که صورت‌های مالی در چارچوب استانداردهای حسابداری مشکلی نداشته و مورد تایید حساب‌برسان می‌باشد؛ بنابراین در حمایت از استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی، برای کنترل مدیریت سود، بایستی روش‌های ارزیابی و محدودکننده مدیریت سود را شناخت. در این خصوص می‌توان به مطالعاتی نظیر بتی^۱ و وبر^۲ (۲۰۰۳) و دیچو^۳ و اسکینر^۴ (۲۰۰۲) اشاره کرد. نتایج تحقیقات آن‌ها نشان می‌دهد که شرکت‌هایی با اهرم مالی قوی، اغلب با مدیریت سود درگیر هستند؛ همچنین نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد افزایش اهرم مالی، مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی در آن‌ها کاهش می‌یابد.

در مبانی نظری حسابداری و گزارشگری مالی بیان می‌شود اطلاعاتی که دارای ویژگی

های کیفی اطلاعات مالی باشد در صورت‌های مالی مفید خواهد بود و قابلیت مقایسه یکی از ویژگی‌های کیفی صورت‌های مالی است. قابلیت مقایسه یکی از ویژگی‌هایی است که سیستم حسابداری و صورت‌های مالی شرکت‌ها باید آن را دارا باشند؛ این ویژگی به استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی در اتخاذ تصمیمات مناسب و صحیح کمک می‌کند. افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، سطح تحلیل‌ها افزایش و دقت پیش‌بینی بهبود یافته و همچنین پراکندگی پیش‌بینی‌ها کاهش می‌یابد؛ همچنین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، باعث کاهش هزینه‌های دستیابی به اطلاعات داده و کیفیت و کمیت کلی اطلاعات مالی شرکت‌ها را افزایش می‌دهد و باعث می‌شود تحلیلگران عملکرد تاریخی شرکت‌ها را بهتر توضیح بدهند (دی فرانکو^۵، کوتاری^۶ و وردی^۷، ۲۰۱۱). قابلیت مقایسه یکی از ویژگی‌های گزارشگری مالی است که باعث افزایش کیفیت و کمیت اطلاعات مالی در دسترس برای سرمایه‌گذاران می‌شود (دی فرانکو، کوتاریو وردی، ۲۰۱۱). قابلیت مقایسه صورت‌های مالی یکی از ویژگی‌های کیفی گزارشگری مالی است که باعث می‌شود کیفیت افشا افزایش یابد و می‌تواند فعالیت‌های مدیریت سود فرصت طلب مدیران را تحت تأثیر قرار دهد (سوهن^۸، ۲۰۱۶). ویژگی قابلیت مقایسه یک ویژگی کیفی و نسبی بوده و مانند سایر خاصه‌های حسابداری، مطلق و مستقل نیست؛ همچنین پژوهش‌هایی که در زمینه قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری انجام شده است بر مبنای کاربرد استانداردها و رویه‌های حسابداری یکسان و منطق استدلال آن‌ها این بوده است که استفاده از رویه‌های یکسان، موجب تولید خروجی‌هایی با قابلیت مقایسه بیشتر و افزایش کیفیت افشا خواهد شد (رحمانی و قشقایی، ۱۳۹۶). برای سنجش قابلیت مقایسه، دی فرانکو و همکاران (۲۰۱۱) از سود و بازدهی به‌عنوان معیارهایی از قابلیت مقایسه اطلاعات نام بردند و بیان نمودند اگر دو سیستم حسابداری مشابه و قابل مقایسه با یکدیگر باشند، خروجی آن‌ها نیز باید قابل مقایسه با یکدیگر باشد. در خارج از کشور پژوهش‌های معدودی انجام گرفته است و تحقیقات انجام گرفته بیانگر تأثیر معنی‌داری بین قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری و افزایش کیفیت افشای شرکت‌ها می‌باشد. هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین ویژگی قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. قابلیت مقایسه یکی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات در مبانی نظری حسابداری و

گزارشگری مالی است و صورت‌های مالی مبنای تصمیم‌گیری، سرمایه‌گذاران در بازارهای مالی می‌باشند. اهمیت این پژوهش در آن است که نتایج پژوهش نشان دهد، آیا قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت‌ها می‌تواند بر مدیریت سود آن‌ها تأثیرگذار باشد. در این مقاله، می‌خواهیم به این سؤال پاسخ بدهیم که آیا بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معنی‌داری وجود دارد یا نه. ساختار پژوهش حاضر به ترتیب ذیل ادامه می‌یابد: در بخش دوم و سوم، مبانی نظری و پیشینه پژوهش بیان می‌شود؛ در بخش چهارم و پنجم، فرضیه‌ها و روش پژوهش تشریح می‌شود؛ بخش ششم و هفتم و هشتم و نهم به نتایج تحقیق و ارائه پیشنهادها و محدودیت‌های پژوهش اختصاص دارد.

۲. مبانی نظری پژوهش

با توسعه بازارهای مالی، سرمایه‌گذاری در این بازارها افزایش و اطلاعات در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی ابزاری مهم به شمار می‌آید. سرمایه‌گذاران به دنبال کسب اطلاعات در این بازارها در رابطه با شرکت‌های فعال هستند. یکی از اهداف اصلی سیستم حسابداری فراهم نمودن اطلاعات مفید، مربوط و منصفانه از عملکرد و وضعیت مالی شرکت‌ها است و همچنین مهم‌ترین منبع اطلاعاتی شرکت‌ها، صورت‌های مالی هستند (فرهادی و سلیمانی امیری، ۱۳۹۷). سود از اهمیت زیادی در سیستم حسابداری برخوردار است. سود محتوای اطلاعاتی بسیار خوبی دارد و بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاران و استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی می‌تواند تأثیر بگذارد و در نتیجه با توجه به واکنش سرمایه‌گذاران به سود، بازار تحت تأثیر قرار می‌گیرد (جامعی و مرادی فرد، ۱۳۹۵)؛ بنابراین صورت سود و زیان با ارائه اطلاعات مفید درباره سودآوری شرکت‌ها، توجه بسیاری از سرمایه‌گذاران را جلب می‌کند؛ اما اعمال قضاوت مدیران در تهیه و تنظیم صورت‌های مالی، باعث نگرانی‌هایی در مورد قابلیت اتکای سود حسابداری شده است. از آنجایی که محاسبه سود شرکت‌ها تحت تأثیر روش‌های برآورد حسابداری بوده و تهیه صورت‌های مالی بر عهده مدیریت شرکت‌ها می‌باشد، ممکن است مدیریت واحد انتفاعی بنا به دلایل مختلف، از جمله: نشان دادن تصویری ثابت از روند

سودآوری در چارچوب اصول و روش های حسابداری؛ ابقا در شرکت؛ دریافت پاداش؛ با دستکاری سود، اقدام به مدیریت سود و وضعیت شرکت را مطلوب جلوه دهد (خواجوی، بایزدی و جبارزاده، ۱۳۹۱). دستکاری سود، موجب گمراهی سرمایه‌گذاران بازار سرمایه خواهد شد. پژوهش‌های حسابداری نشان می‌دهد مدیریت سود به دو شیوه اصلی انجام می‌گیرد؛ مدیران شرکت‌ها می‌توانند از طریق دستکاری فعالیت‌های واقعی (مدیریت سود واقعی) یا دست کاری ارقام تعهدی، سود را مدیریت کنند (شیپر، ۱۹۸۹^۷). مدیریت سود تعهدی با استفاده از تغییر روش های حسابداری و برآوردهای انجام شده هنگام گزارشگری در صورت‌های مالی انجام می‌گیرد؛ برای مثال می‌توان به تغییر در روش استهلاک دارایی‌ها و تغییر در ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول اشاره کرد. در مدیریت سود با استفاده از ارقام واقعی، فعالیت‌های واقعی شرکت به طور عمدی دستکاری می‌شود تا سود گزارش شده به هدف مورد نظر مدیران نزدیک شود. این روش از طریق تغییر در زمان بندی فعالیت‌ها یا تغییر در ساختار معاملات صورت می‌گیرد (دجو،^۸ اسلون و سیونی ۱۹۹۵). رویچودری^۹ (۲۰۰۶) مدیریت سود واقعی را این‌گونه تعریف می‌کند: «انحراف از فعالیت‌های عادی عملیاتی توسط مدیران به منظور گمراه کردن برخی از ذی‌نفعان درباره اینکه اهداف گزارشگری مالی در روند عادی عملیات برآورده شده است.»

بر اساس مبانی نظری حسابداری ایران، کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری را ارائه کرده است و بیان می‌کند خصوصیات کیفی موجب می‌شود اطلاعات صورت‌های مالی برای استفاده‌کنندگان و سرمایه‌گذاران در راستای ارزیابی عملکرد، وضعیت مالی و انعطاف‌پذیری مالی واحد تجاری مفید واقع شود (نجات‌دوست باغمیشه و محمدزاده سالطه، ۱۳۹۵). سودمندی گزارش‌های مالی شرکت‌ها، ناشی از ویژگی‌های کیفی متعدد آن‌هاست که قابلیت مقایسه یکی از این ویژگی‌ها محسوب می‌شود. بر اساس چارچوب مفهومی مشترک هیئت استانداردهای حسابداری مالی^{۱۰} و هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی^{۱۱} (۲۰۰۸)، تعریف قابلیت مقایسه عبارت است از: یکی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات است که به استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی کمک می‌کند آن‌ها قادر به شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های بین دو مجموعه از پدیده‌های اقتصادی باشند.

اهمیت قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در بیانیه مفهومی شماره ۸ هیئت استانداردهای حسابداری مالی تاکید شده است و یکی از مهمترین دلایل نیاز به استانداردهای گزارشگری مالی، افزایش قابلیت مقایسه اطلاعات مالی گزارش شده است. در مفاهیم نظری گزارشگری مالی ایران (۱۳۹۰) بیان می‌گردد اگر اطلاعات مربوط و قابل اتکا باشد، ویژگی مفید بودن اطلاعات در صورت قابل مقایسه نبودن و قابل فهم نبودن دچار محدودیت خواهد بود (مهرورز و مرفوع، ۱۳۹۵). دی فرانکو، کوتاری و وردی (۲۰۱۱) از قابلیت مقایسه صورت‌های مالی دو تعریف ارائه نمودند. تعریف نخست: «دو شرکت سیستم حسابداری قابل مقایسه دارند در صورتی که برای مجموعه‌ای مفروض از رویدادهای اقتصادی، صورت‌های مالی مشابهی تهیه کنند.»

تعریف مفهومی دوم: «شرکت‌هایی با رویدادهای اقتصادی همبسته و حسابداری مشابه برای این رویدادها، صورت‌های مالی همبسته‌ای در طول زمان خواهند داشت.»

درباره بررسی تأثیر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر ویژگی‌های کیفیت حسابداری و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی چارچوب نظری گسترده‌ای وجود دارد. هریس^{۱۲} و مولر^{۱۳} (۱۹۹۹)، در پژوهش‌های خود نتایجی را در خصوص، افزایش سودهای منطبق با اصول عمومی پذیرفته‌شده حسابداری، ارزش دفتری و درنهایت مربوط بودن با پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در بررسی ارزش سودهای بازار و مقادیر ارزش دفتری تحت استانداردهای حسابداری بین‌المللی و اصول عمومی پذیرفته‌شده حسابداری در ایالات متحده ارائه کردند. بارث، لندسمن، لانگ و ویلایمز (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای، به بررسی تأثیر به‌کارگیری اختیاری استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی را بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و سودمندی و مفید بودن بورس اوراق بهادار در ایالات متحده پرداختند که نتایج پژوهش نشان داد بعد از پذیرش اختیاری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، شرکت‌هایی که این استانداردها را به کار می‌گیرند دارای قابلیت مقایسه بیشتری با هم هستند؛ همچنین افزایش قابلیت مقایسه باعث افزایش اطلاعات در سطح خاص شرکت‌ها، افزایش نقد شوندگی بازار سرمایه و افزایش حجم معاملات سهام می‌شود. نتایج تحقیق، گانگ، لی و ژئو (۲۰۱۳) از وجود رابطه منفی بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و مدیریت سود تعهدی شرکت‌ها خبر می‌دهد. در پژوهشی دیگر، سوهن (۲۰۱۶) بیان کرد قابلیت مقایسه

صورت‌های مالی باعث کاهش مدیریت سود تعهدی می‌شود و با افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت‌ها، میزان مدیریت سود واقعی آن‌ها افزایش می‌یابد؛ همچنین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی باعث افزایش کیفیت اطلاعات می‌شود (دی فرانکو، کوتاری و وردی، ۲۰۱۱). اطلاعات حسابداری دارای قابلیت مقایسه شرکت‌ها به عنوان یک ابزار نظارتی تاثیرگذار در جهت کنترل و محدود ساختن مدیریت سود تعهدی به شمار می‌رود (یو، ۱۴^{۱۴}، ۲۰۰۸). اطلاعات حسابداری که خاصیت قابلیت مقایسه دارند؛ هزینه جمع‌آوری و پردازش اطلاعات را برای استفاده کنندگان، سرمایه‌گذاران و تحلیلگران مالی کاهش می‌دهد (انگلیبرگ، ۲۰۱۶^{۱۵}) و همچنین استفاده کنندگان از صورت‌های مالی را قادر می‌سازد تا با مقایسه اطلاعات مالی یک شرکت با سایر شرکت‌های مشابه، دست‌کاری اطلاعات حسابداری و اقلام تعهدی شرکت را توسط مدیران بهتر شناسایی کنند. بنابراین انگیزه مدیران در اعمال مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی کاهش پیدا می‌کند؛ همچنین اطلاعات حسابداری مقایسه پذیر، دقت پیش بینی استفاده کنندگان از صورت‌های مالی و پوشش تحلیلگران را افزایش می‌دهد (دی فرانکو، کوتاری و وردی، ۲۰۱۱). این بهبود کیفیت پیش‌بینی و پوشش تحلیلگران باعث کاهش مدیریت سود تعهدی می‌شود (یو، ۲۰۰۸). بر پایه این استدلال، در فرضیه اول این پژوهش به بررسی رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران پرداخته می‌شود.

مطالعاتی نظیر برنز^{۱۶} و مرچنت^{۱۷} (۱۹۹۰) و گراهام^{۱۸} و دیگران (۲۰۰۵) نشان می‌دهد از آنجایی که مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی بیشتر مورد توجه حساب‌برسان و قانون‌گذاران می‌باشد؛ مدیران به اعمال مدیریت سود از طریق فعالیت‌های واقعی نسبت به دست‌کاری اقلام تعهدی بیشتر تمایل نشان می‌دهند. از طرفی تشخیص مدیریت سود واقعی سخت‌تر است به دلیل اینکه اغلب شبیه تصمیمات عادی واحد تجاری می‌باشد. کوهن^{۱۹} و دیگران (۲۰۰۸) در پژوهش‌های خود نیز نشان دادند در دوره بعد از تصویب قانون سارینز آکسلی، شرکت‌های آمریکایی از مدیریت سود تعهدی کمتر استفاده کردند و استفاده آن‌ها از مدیریت سود واقعی افزایش یافته است. ژنگ^{۲۰} (۲۰۱۲) نیز در پژوهشی دریافت در زمانی که هزینه مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی بیشتر باشد؛ مدیران در اعمال مدیریت سود واقعی تمایل بیشتری دارند.

اورت^{۲۱} و واگنهافر^{۲۲} (۲۰۰۵) نیز دریافتند به دلیل این که وجود مقررات و استانداردهای حسابداری سخت‌گیرانه موجب می‌شود مدیریت اقلام تعهدی محدود شود، لذا مدیران به استفاده از مدیریت سود واقعی تمایل بیشتری پیدا می‌کنند. در صورت افزایش قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری شرکت‌ها، استفاده کنندگان و سرمایه‌گذاران می‌توانند اطلاعات حسابداری که نیاز دارند به راحتی از سایر شرکت‌های مشابه گردآوری کرده و ارزیابی دقیق تری از عملکرد واقعی مدیران داشته باشند؛ بنابراین محدودیت و ریسک اعمال مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی برای مدیران بیشتر است؛ در نتیجه استفاده از این روش را کاهش داده و از روش‌های مدیریت واقعی سود به جای دست‌کاری اقلام تعهدی استفاده می‌کنند؛ بنابراین در فرضیه دوم پژوهش به بررسی رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و مدیریت سود واقعی پرداخته می‌شود.

۳. پیشینه پژوهش

در اهمیت قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، در بیانیه مفهومی شماره ۸ هیئت استانداردهای حسابداری مالی، بیان گردیده است برای افزایش قابلیت مقایسه اطلاعات صورت‌های مالی، نیاز به استانداردهای گزارشگری مالی می‌باشد. در سال‌های اخیر، تحقیقاتی در خصوص توسعه روش‌هایی برای اندازه‌گیری قابلیت مقایسه، صورت گرفته است. یکی از این روش‌ها توسط دی فرانکو، کوتاری و وردی (۲۰۱۱) ارائه شده است. در تحقیقات خارجی، از این روش استفاده کردند. قابلیت مقایسه یکی از ویژگی‌های کیفی صورت‌های مالی می‌باشد که می‌تواند بر کیفیت افشا و رفتار فرصت‌طلبانه مدیران تأثیرگذار باشد (سوهن، ۲۰۱۶). قابلیت مقایسه صورت‌های مالی باعث افزایش کیفیت اطلاعات (دی فرانکو، کوتاری و وردی، ۲۰۱۱)، افزایش حجم معاملات سهام و نقدشوندگی (بارث و همکاران، ۲۰۱۳) و کاهش مزایای ناشی از استفاده از اطلاعات محرمانه (بروچت^{۲۳} و دیگران، ۲۰۱۲) را به دنبال خواهد داشت. قابلیت مقایسه حسابداری موضوع قابل توجهی در تحقیقات حسابداری مالی است و تحقیقات اخیر، به‌ویژه پس از تحقیقات تأثیرگذار دی فرانکو و همکاران (۲۰۱۱)، از فرایند گزارشگری مالی برای اندازه‌گیری قابلیت مقایسه حسابداری بهره‌برداری می‌شود (گروس^{۲۴} و پرتتی^{۲۵}،

(۲۰۱۷). در ادامه به تعدادی از آنها اشاره می‌شود.

کیم^{۲۶} و لی^{۲۷} (۲۰۱۰) در پژوهشی به بررسی اثر پذیرش اجباری استانداردهای IFRS بر انتقال اطلاعات درون صنعت از اعلامیه‌های سود پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان داد افزایش کیفیت گزارشگری مالی و بهبود ویژگی قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری در نتیجه پذیرش IFRS، موجب انتقال بهتر اطلاعات درون صنعت می‌شود. دی فرانکو، کوتاری و وردی (۲۰۱۱) تأثیر قابلیت مقایسه صورتهای مالی بر پوشش و ویژگی پیش‌بینی تحلیلگران را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند افزایش قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری، موجب افزایش پوشش تحلیلگران و همچنین افزایش دقت پیش‌بینی تحلیلگران می‌شود و پراکندگی پیش‌بینی آنها را کاهش می‌دهد. در پژوهشی دیگر، چن^{۲۸}، کولاینز، کاراوت و مرگنتالر (۲۰۱۳) در پژوهش خود، رابطه بین قابلیت مقایسه صورتهای مالی و کارایی تصمیم‌های خرید سرمایه‌گذاران را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش نشان داد که هرچه صورتهای مالی شرکت‌ها قابلیت مقایسه بیشتری داشته باشند، خریداران بازده سهام بالاتری کسب می‌کنند. نتایج پژوهش گونگ^{۲۹}، لی و ژئو (۲۰۱۳) در بررسی تأثیر قابلیت مقایسه بر افشا نشان داد امکان مدیریت سود زمانی افزایش می‌یابد که سودهای پیش‌بینی‌شده شرکت در مقایسه با سودهای پیش‌بینی‌شده سایر شرکت‌ها کمتر باشد. همچنین چوی^{۳۰}، چوی، مایرز، و زیبارت (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین قابلیت مقایسه صورتهای مالی و آگاهی‌بخشی قیمت سهام در خصوص سودهای آتی پرداختند؛ نتایج تحقیق نشان داد در شرکت‌هایی که قابلیت مقایسه بیشتری با شرکت‌های هم‌صنعت خود دارند، آگاهی بخشی قیمت سهام بیشتر است. مرگنتالر^{۳۱}، چن، کولاینز و کاروت، (۲۰۱۴) در پژوهش خود به بررسی قابلیت مقایسه صورتهای مالی و کارایی تصمیم‌گیری در خصوص فرایند تحصیل شرکت پرداختند و به این نتایج رسیدند: هرچه صورتهای مالی شرکت تحصیل‌شونده با صورتهای مالی هم‌صنعت خود قابلیت مقایسه بیشتری داشته باشد، شرکت تحصیل‌کننده تصمیمات بهتری در خصوص فرایند خرید سهام یک شرکت اخذ می‌کند.

سوهن (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی اینکه آیا و چگونه فعالیت‌های مدیریت سود فرصت‌طلب مدیران با افزایش قابلیت مقایسه صورتهای مالی شرکت آنها با سایر شرکت‌ها،

تحت تأثیر قرار می‌گیرد، به این نتیجه رسید که با افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت با سایر شرکت‌ها، مدیریت سود واقعی افزایش می‌یابد و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی کاهش پیدا می‌کند. همچنین حبیب،^{۳۲} حسن منظور و آل هادی (۲۰۱۷) تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی را بر دارایی‌های نقدی شرکت مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش نشان داد افزایش قابلیت مقایسه‌پذیری، هزینه‌های کسب اطلاعات را کاهش می‌دهد؛ همچنین نتایج حاکی از این بود که قابلیت مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی به‌طور قابل توجهی باعث کاهش ارزش پول نقد شرکت می‌شود که بر محدودیت‌های تأمین مالی، کیفیت گزارشگری مالی و حاکمیت شرکت‌ها مؤثر است. در ادامه به برخی از تحقیقات اندکی که در رابطه با قابلیت مقایسه با متغیرهای حسابداری در بورس اوراق بهادار تهران انجام شده است، می‌پردازیم.

در داخل کشور، پورعبداله، بادآور نهندی و برادران حسن زاده (۱۳۹۲) نتایج پژوهش آنها با عنوان تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه حقوق صاحبان سهام نشان داد قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه حقوق صاحبان سهام تأثیر ندارد. در پژوهشی دیگر، فروغی و قاسم‌زاد (۱۳۹۴) تأثیر قابلیت مقایسه را بر ضریب واکنش سودهای آتی مورد بررسی قرار دادند و به این نتایج رسیدند که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی ضریب واکنش سودهای آتی را افزایش می‌دهد. مهرورز و مرفوع (۱۳۹۵) نیز در پژوهشی رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با آگاهی‌بخشی قیمت سهام در خصوص سودهای آتی بررسی کردند و نتیجه گرفتند رابطه مثبتی بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و آگاهی‌بخشی قیمت سهام وجود ندارد. همچنین فروغی و قاسم‌زاد (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر هم‌زمانی قیمت سهام پرداختند و بیان کردند قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر هم‌زمانی قیمت سهام تأثیر منفی و معنی‌داری دارد.

۴. فرضیه‌های پژوهش

در این پژوهش، رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و مدیریت سود مورد بررسی قرار گرفته است. بدین منظور قابلیت مقایسه با دو روش ارزیابی مدیریت سود با استفاده از

اقدام تعهدی و فعالیت‌های واقعی مورد بررسی قرار می‌گیرد و فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر است:

فرضیه اول: بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و مدیریت سود مبتنی بر اقدام تعهدی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و مدیریت سود واقعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۵. مدل تحقیق، متغیرها و روش پژوهش

نتایج حاصل از این تحقیق می‌تواند در تصمیمات استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی، سرمایه‌گذاران و علاقمندان به بازار سرمایه مورد استفاده قرار گیرد. از جنبه هدف، از نوع تحقیقات کاربردی به شمار می‌رود؛ همچنین از بعد نحوه و استدلال و استنباط در خصوص فرضیه‌های پژوهش، رویکرد استقرایی و در گروه تحقیقات تحلیلی - همبستگی قرار می‌گیرد. متغیرهای وابسته این تحقیق مدیریت سود مبتنی بر اقدام تعهدی و مدیریت سود واقعی می‌باشند. برای آزمون فرضیه‌ها، از مدل‌های رگرسیونی زیر استفاده شده است. در ادامه به معرفی متغیرهای تحقیق پرداخته می‌شود (سوهن، ۲۰۱۶).

$$AEM_{i,t} = \alpha + \beta_1 M4_ComAcct_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 MB_{i,t} + \beta_4 ROA_{i,t} + \beta_5 LEV_{i,t} + \beta_6 Big_{i,t} + \beta_7 CFOA_{i,t} + \beta_8 StdSales_{i,t} + \beta_9 Loss_{i,t} + \beta_{10} INSTshare_{i,t} + \beta_{11} GROWTH_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

$$REM_{i,t} = \alpha + \beta_1 M4_ComAcct_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 MB_{i,t} + \beta_4 ROA_{i,t} + \beta_5 LEV_{i,t} + \beta_6 Big_{i,t} + \beta_7 CFOA_{i,t} + \beta_8 StdSales_{i,t} + \beta_9 Loss_{i,t} + \beta_{10} INSTshare_{i,t} + \beta_{11} GROWTH_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدیریت سود مبتنی بر اقدام تعهدی (AEM): در این پژوهش برای ارزیابی مدیریت

سود مبتنی بر اقدام تعهدی شرکت‌های منتخب از مدل کوتاری، لیون^{۳۳} و ویزلی^{۳۴} (۲۰۰۵) معروف به مدل عملکرد استفاده شده است:

$$TAC_{i,t} / A_{i,t-1} = \beta_0 + \beta_1 [1 / A_{i,t-1}] + \beta_2 [(\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t}) / A_{i,t-1}] + \beta_3 [PPE_{i,t} / A_{i,t-1}] + \beta_4 ROA_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (5)$$

در این رابطه، $TAC_{i,t}$ کل ارقام تعهدی شرکت i در سال t است که از تفاضل جریان نقد عملیاتی از سود خالص قبل از ارقام غیرمترقبه به دست می‌آید؛ $A_{i,t-1}$ مجموع دارایی‌های شرکت i در ابتدای سال t ، $(\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t})$ تفاضل تغییرات درآمد (نسبت به سال قبل) از تغییرات حساب‌های دریافتنی (نسبت به سال قبل)؛ $PPE_{i,t}$ ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات؛ $ROA_{i,t}$ بازده دارایی‌های سال t که از تقسیم سود عملیاتی بر کل دارایی‌ها به دست می‌آید. $\varepsilon_{i,t}$ ارقام تعهدی اختیاری برای شرکت i در سال t است.

مدیریت سود واقعی (REM): به منظور سنجش مدیریت سود بر اساس رویدادهای

واقعی، از مدل رویچوداری (۲۰۰۶) و از روابط ذیل استفاده می‌شود:

$$CFO_{i,t} / A_{i,t-1} = \beta_0 + \beta_1 1/A_{i,t-1} + \beta_2 Sales_{i,t} / A_{i,t-1} + \beta_3 \Delta Sales_{i,t} / A_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t} \quad (6)$$

در این مدل، $CFO_{i,t}$ جریان نقدی عملیاتی شرکت i در پایان سال t ؛ $A_{i,t-1}$ جمع کل دارایی‌های شرکت i در پایان سال t ؛ $Sales_{i,t}$ فروش شرکت i در سال t ؛ $\Delta Sales_{i,t}$ تغییرات فروش شرکت i در پایان سال t که از فروش سال t منهای فروش در سال $t-1$ به دست می‌آید و ε مقادیر خطای مدل است.

$$Prod_{i,t} / A_{i,t-1} = \beta_0 + \beta_1 1/A_{i,t-1} + \beta_2 Sales_{i,t} / A_{i,t-1} + \beta_3 \Delta Sales_{i,t} / A_{i,t-1} + \beta_4 \Delta Sales_{i,t-1} / A_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t} \quad (7)$$

در این مدل، $Prod_{i,t}$ هزینه‌های تولید شرکت i در پایان سال t که برابر است با بهای تمام‌شده کالای فروش رفته + تغییرات موجودی مواد و کالا؛ $A_{i,t-1}$ جمع کل دارایی‌های شرکت i در پایان سال t ؛ $Sales_{i,t}$ فروش شرکت i در سال t ؛ $\Delta Sales_{i,t}$ تغییرات فروش شرکت i در پایان سال t که از فروش سال t منهای فروش در سال $t-1$ به دست می‌آید و $\Delta Sales_{i,t-1}$ تغییرات فروش شرکت i در پایان سال $t-1$ که برابر با تفاوت فروش بین سال $t-1$ و $t-2$ است.

$$DiscE_{i,t} / A_{i,t-1} = \beta_0 + \beta_1 1/A_{i,t-1} + \beta_2 Sales_{i,t-1} / A_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t} \quad (8)$$

در این مدل، $DiscE_{i,t}$ هزینه‌های اختیاری شرکت i در پایان سال t که برابر با هزینه‌های تبلیغات و بازاریابی؛ $A_{i,t-1}$ جمع کل دارایی‌های شرکت i در پایان سال t ؛ $Sales_{i,t}$ فروش شرکت i در سال t است.

$$REM_{it} = (EM_PROD_{it}) - (EM_CFO_{it}) - (EM_DISCE_{it})$$

EM_CFO_{it} : میزان خطای رگرسیونی مدل اول به‌عنوان میزان جریان نقد عملیاتی غیرعادی (یکی از اجزای مدیریت سود واقعی) در سال t .

EM_PROD_{it} : میزان خطای رگرسیونی مدل دوم به‌عنوان میزان بهای تولید غیرعادی (یکی از اجزای مدیریت سود واقعی) در سال t .

EM_DISCE_{it} : میزان خطای رگرسیونی مدل اول به‌عنوان هزینه‌های عملیاتی غیرعادی (یکی از اجزای مدیریت سود واقعی) در سال t .

متغیر مستقل این پژوهش قابلیت مقایسه حسابداری ($M4_ComAcct$) است که با استفاده از مدل دی فرانکو و همکاران (۲۰۱۱)، در سطح هر صنعت به‌صورت جداگانه اندازه‌گیری شده است. دی فرانکو و همکاران (۲۰۱۱) قابلیت مقایسه را به‌صورت ذیل تعریف می‌کنند: «دو شرکت سیستم حسابداری قابلیت مقایسه دارند در صورتی که برای مجموعه‌ای مفروض از رویدادهای اقتصادی، صورت‌های مالی مشابهی تهیه کنند.»

$$Financial\ Statements_i = f_i(Economic\ Events_i) \quad (1)$$

در اینجا $f_i()$ نشان‌دهنده سیستم شرکت i است. دو شرکت دارای سیستم‌های حسابداری قابل مقایسه هستند اگر دارای رویدادهای اقتصادی مشابه باشند. در این مدل دو شرکت دارای سیستم حسابداری مشابه می‌باشند در صورتی که برای مجموعه‌ای از رویدادهای اقتصادی یکسان، گزارش مالی مشابهی ارائه کرده باشند. برای اندازه‌گیری قابلیت مقایسه بین دو شرکت i و j ، ابتدا برای هر شرکت - سال مدل رگرسیونی به شرح رابطه (۲) با استفاده از داده‌های سری زمانی (شش‌ماهه) برای دوره سه‌ساله اخیر منتهی به پایان سال t برآورد می‌شود.

$$Earning_{i,k} = \alpha_{i,t} + \beta_{i,t}Return_{i,k} + \varepsilon_{i,k} \quad (2)$$

که در آن، $Earning_{i,k}$ سود خالص شرکت i در شش ماه k تقسیم بر ارزش بازار سهام شرکت در ابتدای شش ماه و $Return_{i,k}$ بازده سهام شرکت i در شش ماه k است. ضرایب برآوردشده از رابطه (۲) برای هر شرکت - سال، معیاری از عملیات حسابداری آن شرکت است؛ یعنی α_i و β_i نشان‌دهنده عملیات حسابداری شرکت i و ضرایب α_j و β_j معرف عملیات حسابداری شرکت j است. میزان قابلیت مقایسه بین دو شرکت با تشابه بین عملیات حسابداری دو شرکت نشان داده می‌شود. برای برآورد تفاوت بین عملیات حسابداری دو شرکت i و j با توجه به مفهوم قابلیت مقایسه (ارائه گزارش‌های مشابه ناشی از مجموعه‌ای از رویدادهای مشابه) استفاده می‌شود؛ از این رو در هر سال از طریق رابطه‌های (۳) و (۴) سود شرکت i به‌طور جداگانه یک‌بار با ضرایب خود شرکت i و یک‌بار با ضرایب شرکت j ، اما با بازده شرکت i (رویداد مشابه) برای دوره زمانی مشابه پیش‌بینی می‌شود.

$$E(Earning)_{ii,k} = \alpha_i + \beta_i Return_{i,k} \quad (3)$$

$$E(Earning)_{ij,k} = \alpha_j + \beta_j Return_{i,k} \quad (4)$$

در این رابطه‌ها، $E(Earning)_{ii}$ سود پیش‌بینی شده برای شرکت i و شش ماه k با استفاده از ضرایب شرکت i و $E(Earning)_{ij,k}$ سود پیش‌بینی شده برای شرکت i و شش ماه k با استفاده از ضرایب شرکت j است.

سپس قابلیت مقایسه بین دو شرکت i و j در سال t از طریق رابطه (۵) محاسبه می‌شود.

$$ComAcc_{ij,t} = \frac{-1}{6} \sum_{K=5}^K \left| E(Earning)_{ii,k} - E(Earning)_{ij,k} \right| \quad (5)$$

مقدار ریاضی بیشتر برای $ComAcc_{ij,t}$ نشان‌دهنده قابلیت مقایسه بیشتر بین دو شرکت را نشان می‌دهد. در ادامه و به روش مشابه برای هر سال و هر جفت شرکت i با شرکت‌های j عضو یک صنعت، معیار $ComAcc_{ij,t}$ محاسبه می‌شود و در نهایت میانگین چهار عدد بزرگ‌تر، معیار قابلیت مقایسه خاص شرکت i تعریف می‌شود. نگاره ۱ متغیرهای کنترلی این پژوهش را نشان می‌دهد.

نگاره ۱: متغیرهای کنترلی

متغیر	تعریف عملیاتی
SIZE	لگاریتم طبیعی فروش در پایان سال
MB	تقسیم ارزش بازار بر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام
ROA	برابر است با نسبت سود خالص پس از کسر مالیات به مجموع ارزش دفتری دارایی‌ها
LEV	اهرم مالی برابر است با نسبت جمع بدهی به جمع دارایی
BIG	اختصاص داده می‌شود عدد ۱ اگر حسابرس شرکت سازمان حسابرسی باشد در غیر این صورت عدد صفر
CFOA	جریان نقدی عملیاتی تقسیم بر کل دارایی‌ها
StdSales	نوسان‌های درآمد فروش (انحراف معیار درآمد در ۵ سال اخیر)
Loss	اختصاص داده می‌شود عدد ۱ اگر یک شرکت زیان ده باشد در غیر این صورت عدد صفر
INSTshare	درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی: تقسیم تعداد سهام سرمایه‌گذاران نهادی بر کل تعداد سهام عادی شرکت در ابتدای دوره
GROWTH	رشد شرکت برابر است با درصد تغییرات فروش

جامعه آماری این پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در

دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ است. شرکت‌هایی که شرایط زیر را داشته باشند:

۱- دوره مالی آن‌ها به ۱۲۹ اسفندماه هر سال ختم شود و دارای صورت‌های مالی شش‌ماهه

نیز باشند؛

۲- در طول دوره پژوهش تغییر در دوره مالی نداشته باشند تا نتایج عملکرد مالی

مقایسه‌پذیر باشند؛

۳- جزء شرکت‌های فعال در حوزه فعالیت‌های مالی، از جمله شرکت‌های سرمایه‌گذاری،

بانک‌ها، بیمه‌ها و مؤسسات مالی نباشند. به دلیل اینکه این مؤسسات از لحاظ ماهیت فعالیت

متفاوت بوده و درآمد اصلی آن‌ها حاصل از سرمایه‌گذاری بوده و وابسته به فعالیت سایر

شرکت‌ها است؛ لذا ماهیتاً با سایر شرکت‌ها متفاوت هستند؛ بنابراین از تحقیق حذف شده‌اند؛

۴- داده‌های لازم برای متغیرهای تحقیق در طول دوره زمانی ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۶ موجود

باشند. در این پژوهش دوره مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی سه سال (هرسال و دو دوره قبل از آن سال) در نظر گرفته شد؛

۵- شرکت‌ها تا پایان سال ۱۳۸۷ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند؛

۶- شرکت‌ها باید از سال ۱۳۸۸ تا سال ۱۳۹۶ توقف معاملاتی سهام بیش از سه ماه نداشته باشند.

پس از اعمال محدودیت‌های بالا، داده‌های ۱۴۶ شرکت در دسترس گردآوری و آزمون فرضیه در سطح کل نمونه انجام شد.

نگاره ۲: تعیین تعداد نمونه

ردیف	شرح	تعداد
۱	تعداد کل	۵۸۳
۲	دوره مالی آن‌ها به ۲۹ اسفندماه ختم نشده است.	(۱۶۶)
۳	جزء شرکت‌های فعال در حوزه فعالیت‌های مالی بوده‌اند.	(۶۳)
۴	در صنعت حداقل هشت شرکت وجود نداشته است.	(۵۹)
۵	صورت‌های مالی شش‌ماهه نداشته‌اند.	-
۶	توقف معاملاتی سهام بیش از سه ماه داشته‌اند.	(۱۴۹)
	تعداد نمونه	۱۴۶

۶. نتایج تحقیق

اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار اکسل (Excel) نسخه ۲۰۱۶ پردازش شده و برای تجزیه و تحلیل آن‌ها از نرم‌افزار R استفاده شده است. آمار توصیفی شامل مجموعه روش‌هایی است که برای جمع‌آوری، خلاصه کردن و طبقه‌بندی به منظور فهم بهتر نتایج تحقیق به کار می‌رود. در نگاره شماره (۳) آماره‌های میانگین، میانه، حداکثر، حداقل و انحراف معیار جهت توصیف متغیرهای تحقیق به کار گرفته شده است.

نگاره ۳: آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

نام متغیر	نماد	میانگین	میانه	مینیمم	ماکزیمم	انحراف معیار
مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی	AEM	۰/۱۰	۰/۰۷	$۱/۷۷ \times ۱۰^{-۵}$	۰/۹۲	۰/۱۰
مدیریت سود واقعی	REM	۰/۲۷	۰/۲۲	۰/۰۲	۱/۸۶	۰/۲۱
قابلیت مقایسه حسابداری	M4ComAcct	-۶۴/۹۵	-۷/۰۲	-۲۰۵۳/۷۰	-۰/۸۶	۲۲۶/۸۱
اندازه شرکت	SIZE	۱۳/۷۹	۱۳/۶۹	۸/۹۰	۱۸/۹۴	۱/۵۰
نسبت ارزش بازار به دفتری	MB	۲/۹۱	۲/۱۸	-۲۶/۳۰	۱۲۴/۲۰	۷/۵۸
بازده دارایی‌ها	ROA	۱۱/۲۳	۹/۴۰	-۷۹/۷۳	۶۲/۶۸	۱۴/۳۹
اهرم مالی	LEV	۰/۶۱	۰/۶۱	۰/۰۹	۱/۵۷	۰/۲۱
جریان نقدی عملیاتی	CFOA	۰/۱۲	۰/۱۱	-۰/۳۴	۰/۶۴	۰/۱۳
انحراف معیار فروش	StdSales	۱/۱۰۲۷۱۱۹	۰/۱۹۵۰۶۰۷۱	۰/۰۰۴۸۳۷۷	۴۲/۷۲۰۲۷۷۸	۳/۵۶۲۸۲۰۳
مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی	INSTshare	۶۹/۰۳	۷۸/۵۵	۰/۰۰	۹۹/۴۵	۲۷/۰۴
رشد شرکت	GROWTH	۱۹/۶۳	۱۵/۸۳	-۸۱/۲۴	۴۶۵/۱۴	۴۳/۴۴

میانگین یکی از مهمترین شاخص‌های مرکزی است و شاخص خوبی است که توسط آن، مرکزیت داده‌ها نشان داده می‌شود؛ برای مثال مقدار میانگین برای متغیر قابلیت مقایسه (ComAcct4M) برابر با -۶۴.۹۵ است؛ همچنین متغیر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی (AEM) برابر با ۰.۱۰ و مدیریت سود واقعی (RAM) برابر با ۰.۲۷ است که داده‌ها حول این مقادیر تمرکز یافته‌اند. نتایج نشان می‌دهد میانه متغیر قابلیت مقایسه -۷.۰۲ است و بیانگر این است که نیمی از شرکت‌ها مقدار قابلیت مقایسه آن‌ها از این مقدار کمتر و نیمی دیگر از این مقدار بیشتر است؛ همچنین همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود کمترین مقدار قابلیت

مقایسه ۲۰۵۳.۷۰- و ماکزیمم مقدار ۰.۸۶- را به خود اختصاص داده‌اند که هرچقدر این مقدار به صفر نزدیک‌تر باشد، میزان قابلیت مقایسه شرکت با شرکت‌های هم صنعت خود بیشتر خواهد بود. انحراف معیار پراکندگی داده‌ها را در جدول نشان می‌دهد و معیاری برای میزان پراکندگی داده‌ها از میانگین می‌باشد؛ به‌عنوان مثال مقدار این پارامتر برای متغیر قابلیت مقایسه (ComAcct4M) برابر با ۲۲۶.۸۱ و متغیر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی (AEM) برابر با ۰.۱۰ و مدیریت سود واقعی (RAM) برابر با ۰.۲۱ است.

۶-۱. نتایج آزمون فرضیه اول

برای آزمون فرضیه اول، قبل از تخمین مدل بایستی روش تخمین آن مشخص شود تا پس از انتخاب روش مناسب و بررسی برقرار بودن فرض‌های زیربنایی، مدل به روش تأییدشده برازش داده شود و ضرایب مدل برآورد می‌شود؛ سپس با استفاده از آزمون معنی‌داری ضرایب برآوردشده، به تأیید و رد فرضیه پژوهش می‌پردازیم. برای این منظور ابتدا توسط آزمون F لیمر برای تشخیص داده‌های کلاسیک از پانل استفاده می‌شود. در صورت انتخاب داده‌های پانل، در گام بعدی توسط آزمون هاسمن برای یکی از دو روش اثرات ثابت و تصادفی تصمیم‌گیری می‌شود. خلاصه نتایج آزمون در نگاره شماره (۴) ارائه شده است.

نگاره ۴: نتایج آزمون F لیمر و هاسمن

سطح معناداری	آماره	آزمون	
<۰/۰۰۱	۱.۶۸۳۵	OLS و اثرات ثابت	F لیمر
<۰/۰۰۱	۱/۶۸۷۸	OLS با اثر زمان و اثرات ثابت	
۰/۱۸۸۴	۰/۱۸۸۴	هاسمن	

با توجه به سطح معنی‌داری به‌دست‌آمده از آزمون F لیمر که کمتر از ۰/۰۵ است، نتایج آزمون بیانگر این است که استفاده از روش پانلی با اثرات ثابت نسبت به مدل OLS مناسب می‌باشد؛ همچنین نتایج حاصل از آزمون هاسمن با توجه به اینکه سطح معنی‌داری بیشتر از ۰/۰۵

است، بیانگر این است که بین دو روش اثرات ثابت و تصادفی، استفاده از روش اثرات تصادفی مناسب می باشد. در صورتی که روش اثرات تصادفی انتخاب گردد در گام بعدی توسط آزمون بروش پاگان بین روش داده‌های ادغام‌شده و اثرات تصادفی تصمیم‌گیری می‌شود. با توجه به نگاره ۵، نتایج نشان می‌دهد در انتخاب بین روش‌های داده‌های ادغام‌شده و اثرات تصادفی، روش پانلی داده‌های ادغام‌شده برای برازش مدل تأیید می‌شود.

نگاره ۵: نتایج آزمون بروش پاگان

سطح معناداری	آماره	نوع آزمون	
<۰.۰۰۱	۱۳.۹۸۵	اثر مکان معنی‌دار است	بروش پاگان
۰.۹۱۸۵	۰.۰۱۰۴۵۹	اثر زمان معنی‌دار است	
<۰.۰۰۱	۱۳.۹۷۵	اثر زمان و مکان معنی‌دار است	

برای استفاده از روش‌های پانلی، باقی‌مانده‌های مدل نباید همبستگی سریالی داشته باشند. چنانچه باقیمانده‌های مدل دارای همبستگی سریالی باشد، استفاده از روش پانلی جایز نبوده و از روش تعمیم‌یافته پانلی برای برازش مدل استفاده می‌شود. برای بررسی داشتن یا نداشتن همبستگی سریالی در باقی‌مانده‌های مدل، از آزمون بروش گادفری استفاده شده است.

نگاره ۶: نتایج آزمون بروش گادفری

سطح معناداری	آماره	نوع آزمون
<۰.۰۳۳۴۸	۱۲.۰۹۷	بروش گادفری

نتایج آزمون بروش گادفری نشان می‌دهد باقی‌مانده‌های مدل همبستگی سریالی دارد؛ بنابراین استفاده از روش پانلی داده‌های ادغام‌شده برای برازش مدل جایز نبوده و از روش پانلی تعمیم‌یافته داده‌های ادغام‌شده برای برازش مدل استفاده می‌کنیم.

نگاره ۷: آزمون فرضیه اول با استفاده از مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی

متغیر	ضریب	خطای معیار	آماره آزمون	سطح معناداری
مقدار ثابت	۰/۱۷۴۴۰۰	۰/۰۵۲۰۷۰۰	۳/۳۵۰	۰/۰۰۰۸۰۹
M4.ComAcct	۰/۰۰۰۰۰۹	۰/۰۰۰۰۲۵۷	۰/۳۳۵	۰/۷۳۷۴۳۸
SIZE	-۰/۰۰۰۸۸۰۴	۰/۰۰۳۹۱۹۰	-۰/۲۴۶	۰/۰۲۴۶۷۶
MB	-۰/۰۰۰۰۴۰۰	۰/۰۰۰۰۴۵۹۴	-۰/۸۷۰	۰/۳۸۴۲۷۱
ROA	۰/۰۰۰۲۱۶۹	۰/۰۰۰۰۴۶۰۵	۴/۷۰۹	۰/۰۰۰۰۰۰۲
LEV	۰/۰۳۹۸۵۰	۰/۰۲۶۸۷۰۰	۱/۴۸۳	۰/۱۳۷۹۸۱
factor(BIG)1	۰/۰۱۱۵۹۰	۰/۰۰۹۶۳۶۰	۱/۲۰۳	۰/۲۲۸۸۷
CFOA	-۰/۰۰۰۳۶۲۸	۰/۰۳۰۶۸۰۰	-۰/۱۱۸	۰/۹۰۵۸۷۱
stdsales	۴/۲۳۰	۰/۰۰۱۶۶۶۰	۱/۳۸۳	۰/۱۶۶۷۲۹
factor(Loss)1	۰/۰۳۴۲۵۰	۰/۰۱۳۰۲۰۰	۲/۶۳۱	۰/۰۰۸۵۱۰
INSTshare	-۰/۰۰۰۰۰۹۰	۰/۰۰۰۰۱۵۹۵	-۰/۵۶۶	۰/۵۷۱۳۸۹
GROWTH	۰/۰۰۰۰۴۸۲	۰/۰۰۰۰۰۸۴۰	۵/۷۳۶	۰/۰۰۰۰۰۰۰

تصمیم‌گیری در مورد پذیرش یا رد فرضیه اول مبتنی بر معنی‌دار بودن ضریب متغیر قابلیت مقایسه حسابداری (M4_ComAcct) می‌باشد. در صورتی که سطح معنی‌داری این آزمون از ۰.۰۵ کمتر باشد، فرضیه صفر مبنی بر معنی‌دار نبودن ضریب رد شده و چنانچه سطح معنی‌داری این آزمون از ۰.۰۵ بیشتر باشد فرضیه صفر را نمی‌توان رد کرد.

با توجه به نتایج نگاره ۷، سطح معنی‌داری مربوط به ضریب متغیر قابلیت مقایسه حسابداری ۰.۷۳۷ گزارش شده که بزرگ‌تر از ۰.۰۵ است؛ در نتیجه فرضیه صفر رد نمی‌شود و در سطح خطای ۵ درصد می‌توان گفت قابلیت مقایسه حسابداری با مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی رابطه معنی‌داری ندارد؛ لذا فرضیه اول رد می‌شود.

۲-۶. نتایج آزمون فرضیه دوم

همانند مدل قبلی، برای آزمون فرضیه دوم، قبل از تخمین مدل لازم است روش تخمین آن مشخص گردد. پس از انتخاب روش مناسب و بررسی برقرار بودن فرض‌های زیربنایی، مدل به روش تأییدشده برازش داده می‌شود و ضرایب مدل برآورد می‌شود؛ سپس با استفاده از آزمون معنی‌داری ضرایب برآوردشده به تأیید و رد فرضیه پژوهش می‌پردازیم. برای این منظور ابتدا با آزمون F لیمر، برای تشخیص داده‌های کلاسیک از پانل استفاده می‌شود. در صورت انتخاب داده‌های پانل، در گام بعدی با آزمون هاسمن برای یکی از دو روش اثرات ثابت و تصادفی تصمیم‌گیری می‌شود. خلاصه نتایج آزمون در نگاره شماره ۸ ارائه شده است.

نگاره ۸: نتایج آزمون F لیمر و هاسمن

سطح معناداری	آماره	آزمون	F لیمر
<0.001	2.9181	OLS و اثرات ثابت	
<0.001	2.9442	OLS با اثر زمان و اثرات ثابت	
<0.001	۱۰۵.۷۳	هاسمن	

نگاره ۹: نتایج آزمون قابلیت ادغام

سطح معناداری	آماره	آزمون
<۰.۰۱۵۶۹	۱.۴۲۴۱	قابلیت ادغام

نتایج آزمون F لیمر و هاسمن و آزمون قابلیت ادغام بیانگر این است که استفاده از روش پانلی با اثرات ثابت مناسب می‌باشد؛ سپس برای استفاده از روش‌های پانلی، از آزمون بروش گادفری، داشتن یا نداشتن همبستگی سریالی در باقی‌مانده‌های مدل آزمون می‌گردد.

نگاره ۱۰: نتایج آزمون بروش گادفری

سطح معناداری	آماره	نوع آزمون
<۰.۰۰۱	۱۰۰.۱۲	بروش گادفری

نتایج آزمون بروش گادفری نشان می‌دهد باقی‌مانده‌های مدل همبستگی سریالی دارد؛ بنابراین استفاده از روش پانلی اثرات ثابت برای برآزش مدل جایز نبوده و از روش پانلی تعمیم‌یافته داده‌های اثرات ثابت برای برآزش مدل استفاده می‌کنیم.

نگاره ۱۱: آزمون فرضیه دوم با استفاده از مدیریت سود واقعی

متغیر	ضریب	خطای معیار	آماره آزمون	P مقدار
عرض از مبدأ	۰/۱۱۲۱۰۰	۰/۱۰۹۲۰۰	۱/۰۲۶	۰/۳۰۵۰۰۰
M4.ComAcct	۰/۰۰۰۰۳۷	۰/۰۰۰۰۵۳	۰/۶۹۵	۰/۴۸۷۰۰۰
SIZE	۰/۰۰۳۱۱۰	۰/۰۰۸۰۸۰	-۰/۳۸۵	۰/۷۰۰۳۰۰
MB	۰/۰۰۰۸۱۳	۰/۰۰۰۸۰۲	۱/۰۱۴	۰/۳۱۰۵۰۰
ROA	۰/۰۰۶۷۱۴	۰/۰۰۰۸۴۷	۷/۹۳۱	<۰/۰۰۱
LEV	۰/۰۳۳۱۹۰	۰/۰۵۱۲۵۰	۰/۶۴۸	۰/۵۱۷۲۰۰
factor(BIG)1	۰/۰۰۴۴۲۶	۰/۰۲۰۰۳۰	-۰/۲۲۱	۰/۸۲۵۱۰۰
CFOA	۰/۰۵۰۶۴۰	۰/۰۵۴۲۵۰	۰/۹۳۳	۰/۳۵۰۶۰۰
stdsales	۰/۰۰۰۹۰۹	۰/۰۰۳۲۴۹	۱/۲۸۰	۰/۷۷۹۷۰۰
factor(Loss)1	۰/۱۳۸۰۰۰	۰/۰۲۳۴۷۰	۵/۸۸۰	۰/۰۰۰۰۰۰
INSTshare	۰/۰۰۰۳۸۲	۰/۰۰۰۳۴۲	۱/۱۱۷	۰/۲۴۶۱۰۰
GROWTH	۰/۰۰۱۲۴۴	۰/۰۰۰۱۴۶	۸/۵۲۴	<۰/۰۰۱

تصمیم‌گیری در مورد پذیرش یا رد فرضیه اول مبتنی بر معنی‌دار بودن ضریب متغیر قابلیت مقایسه حسابداری (M4_ComAcct) است. در صورتی که سطح معنی‌داری این آزمون از ۰.۰۵ کمتر باشد، فرضیه صفر مبنی بر معنی‌دار نبودن ضریب رد شده و چنانچه سطح معنی‌داری این آزمون از ۰.۰۵ بیشتر باشد فرضیه صفر تأیید می‌شود.

با توجه به نتایج نگاره ۱۱، سطح معنی‌داری مربوط به ضریب متغیر قابلیت مقایسه حسابداری ۰.۴۸۷ گزارش شده که بزرگ‌تر از ۰.۰۵ است؛ در نتیجه فرضیه صفر رد نمی‌شود و در سطح خطای ۵ درصد می‌توان گفت قابلیت مقایسه حسابداری با مدیریت سود واقعی رابطه

معنی‌داری ندارد؛ لذا فرضیه دوم نیز رد می‌شود.

۷. بحث و نتیجه‌گیری

با توسعه بازارهای مالی، سرمایه‌گذاری در این بازارها افزایش و اطلاعات و به خصوص سود به عنوان مهم‌ترین شاخص در سیستم حسابداری شرکت‌ها، می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و واکنش استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی تاثیرگذار باشد. مدیریت سود یا دست‌کاری سود در گزارشگری مالی شرکت‌ها، به صورت پدیده‌ای بین‌المللی در مورد سود شرکت‌ها مطرح می‌باشد. بهبود قوانین و افزایش نظارت در بازار سرمایه بدون شک می‌تواند از رفتارهای فرصت‌طلبانه برخی شرکت‌ها مانند مدیریت سود جلوگیری نماید. در این پژوهش، سعی گردید تا تأثیر یکی از ویژگی‌های کیفی و مهم اطلاعات حسابداری گزارش شده با عنوان قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، بر مدیریت سود واقعی و مبتنی بر ارقام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی گردد. در راستای هدف پژوهش دو فرضیه تدوین شد و ۱۴۶ شرکت مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. برای این منظور برای اندازه‌گیری متغیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی از مدل دی فرانکو و دیگران (۲۰۱۱) و برای مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی از مدل کوتاری و دیگران (۲۰۰۵) و مدیریت سود واقعی از مدل رویچوداری (۲۰۰۶) استفاده شده است. با مطالعه تحقیقات پیشین، نتایج پژوهش گانگ و دیگران (۲۰۱۳) بیانگر وجود رابطه منفی بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و مدیریت سود تعهدی شرکت‌ها می‌باشد؛ همچنین نتایج پژوهش سوهن (۲۰۱۶) نشان داد قابلیت مقایسه صورت‌های مالی منجر به کاهش مدیریت سود تعهدی و افزایش میزان مدیریت سود واقعی آن‌ها می‌شود. در آزمون فرضیه اول پژوهش حاضر، رابطه معنی‌داری بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی آزمون گردید. با توجه به نتایج نگاره ۷، سطح معنی‌داری مربوط به ضریب متغیر قابلیت مقایسه صورت مالی ۰.۷۳۷ گزارش شده که بزرگ‌تر از ۰.۰۵ است؛ در نتیجه فرضیه صفر رد نمی‌شود و در سطح خطای ۵ درصد می‌توان گفت قابلیت مقایسه حسابداری با مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی رابطه معنی‌داری ندارد؛ پس فرضیه اول پژوهش رد می‌شود. در آزمون فرضیه دوم پژوهش، رابطه معنی‌داری بین قابلیت

مقایسه صورت‌های مالی و مدیریت سود واقعی آزمون شد. با توجه به نتایج نگاره ۱۱، سطح معنی‌داری مربوط به ضریب متغیر قابلیت مقایسه حسابداری ۰.۴۸۷ گزارش شده که بزرگ‌تر از ۰.۰۵ است؛ در نتیجه فرضیه صفر رد نمی‌شود و در سطح خطای ۵ درصد می‌توان گفت که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با مدیریت سود واقعی رابطه معنی‌داری ندارد؛ پس فرضیه دوم پژوهش نیز رد می‌شود؛ بنابراین نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و واقعی رابطه معناداری وجود ندارد که با نتایج پژوهش سوهن (۲۰۱۶) و گانگ و همکاران (۲۰۱۳) هم‌راستا نیست.

۸. پیشنهادهای پژوهش

قابلیت مقایسه یکی از ویژگی‌های کیفی صورت‌های مالی در مبنای نظری و گزارشگری مالی است و می‌تواند در کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران شرکت‌ها مؤثر باشد؛ اما نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد اندازه‌گیری این ویژگی به روش دی فرانکو و همکاران (۲۰۱۱) تأثیر معنی‌داری نمی‌تواند در مدیریت سود شرکت‌ها داشته باشد. به پژوهشگران آینده پیشنهاد می‌شود با توجه به اینکه در ایران تحقیقات اندکی در خصوص متغیر مستقل مطالعه حاضر، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با مدل دی فرانکو و همکاران (۲۰۱۱) انجام گرفته است، در مطالعات آتی، رابطه قابلیت مقایسه صورت‌های مالی را با سایر متغیرهای مالی مانند خطر سقوط سهام بررسی کنند؛ همچنین با توجه به اینکه برای اندازه‌گیری مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی، از مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) استفاده شده است، در مطالعات آتی، پیشنهاد می‌گردد از سایر شاخص‌های اندازه‌گیری مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی مانند مدل مک نیکولز، مدل تعدیل‌شده جونز و در بازه زمانی بیشتری استفاده نمایند و نتایج را مقایسه کنند.

۹. محدودیت‌های پژوهش

پژوهش حاضر در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از داده‌های ۱۴۶ شرکت، به دلیل در دسترس نبودن داده‌های پژوهش، انجام شده است. با توجه به اینکه برای

اندازه‌گیری متغیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی نیاز به صورت‌های مالی شش‌ماهه بود و اطلاعات صورت‌های مالی شش‌ماهه در نرم‌افزار ره‌آورد نوین و سایت سازمان بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۸۸ به بعد وجود داشت، دوره تحقیق از سال ۱۳۹۰ لغایت ۱۳۹۶، به دلیل اینکه باید یک دوره مقایسه‌پذیری سه‌ساله برای هر سال مالی در نظر گرفته می‌شد، انتخاب گردید. در تحقیق حاضر، از مدل دی فرانکو و همکاران (۲۰۱۱) استفاده شده است. در صورتی که از مدل دیگری برای اندازه‌گیری ویژگی قابلیت مقایسه صورت‌های مالی استفاده می‌شد، ممکن بود نتایج تحقیق متفاوت از تحقیق حاضر باشد.

یادداشت‌ها

1. Beatty
2. Weber
3. Dichev
4. Skinner
5. De Franco
6. Sohn
7. Schipper
8. Dechow
9. Roychowdhury
10. Financial Accounting Standards Board
11. International Accounting Standards Board
12. Harris
13. Muller
14. Yu
15. Engelberg
16. Bruns
17. Merchant
18. Graham
19. Cohen
20. Zang
21. Ewert
22. Wangenhofner
23. Brochet
24. Gross
25. Perotti
26. Kim
27. Li
28. Chen
29. Gong
30. Choi
31. Mergenthaler
32. Habib
33. Leone
34. Wasley

منابع

الف. فارسی

- باباجانی، جعفر و دیگران (۱۳۹۳). رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود، پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز، ۶ (۲)، ۱-۲۶.
- پورعبدالله، زهرا و دیگران (۱۳۹۲). تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه حقوق صاحبان سهام، کنفرانس ملی حسابداری و مدیریت، ۱۳۹۲.
- جامعی، رضا و مرادی فرد، غلامرضا (۱۳۹۵). بررسی تأثیر سود پیش‌بینی شده در تعیین قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران، پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز، ۸ (۱)، ۷۱-۱۰۲.
- خواجوی، شکراله و دیگران (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی کیفیت گزارش‌گری مالی شرکت‌های درمانده و غیر درمانده مالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۳ (۱)، ۵۳-۶۸.
- دستگیر، محسن و حسینی، سید احسان (۱۳۹۲). مروری جامع بر مدیریت سود (بخش اول)، مطالعات حسابداری و حسابرسی، ۷ (۲)، ۱۹-۲۰.
- رهنمای رودپشتی، فریدون و دیگران (۱۳۹۴). سبک حسابرس و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، ۸ (۲۵)، ۲۹-۴۷.
- رحمانی، علی و قشقای، فاطمه (۱۳۹۶). رابطه قابلیت مقایسه حسابداری با مدیریت سود واقعی و تعهدی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۴ (۲۴)، ۵۲۷-۵۵۰.
- فروغی، داریوش و قاسم‌زاد، پیمان (۱۳۹۴). تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر ضریب واکنش سودهای آتی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۲ (۴)، ۴۷۹-۵۰۰.
- فروغی، داریوش و قاسم‌زاد، پیمان (۱۳۹۵). تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر هم‌زمانی قیمت سهام، پژوهش‌های حسابداری مالی، ۸ (۱)، ۳۹-۵۴.
- فرهادی، زهرا و سلیمانی امیری، غلامرضا (۱۳۹۷). ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری در دوران نوسانات اساسی بورس و اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۲۷ (۷)، ۱۷۳-۱۹۷.

مهرورز، فاطمه و مرفوع، محمد (۱۳۹۵). رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با آگاهی بخشی قیمت سهام در خصوص سودهای آتی، *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۲(۴۹)، ۸۳ - ۱۱۰.

نیات دوست باغمیشه، محمدحسین و محمدزاده سالطه، حیدر (۱۳۹۵). بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران، *دانش حسابرسی*، ۱۶(۶۲)، ۱۵۹-۱۷۶.

نمازی، محمد و دیگران (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۳(۹)، ۹-۱.

ب. انگلیسی

Beatty, A., & Weber, J. (2003). The effects of debt contracting on voluntary accounting method changes. *The Accounting Review*, 78(1), 119-142.

Barth, M., Landsman, W., & Lang, M. (2008). International accounting standards and accounting quality. *Journal of Accounting Research*, 46(3), 467-498.

Barth, M. E., Landsman, W. R., Lang, M. H. & Williams, C. D. (2013). Effects on comparability and capital market benefits of voluntary adoption of IFRS by US firms: Insights from voluntary adoption of IFRS by non-US firms. *Working Paper*, Available at: <http://www.ssrn.com>.

Brochet, F., D. Jagolinzer, A., & Riedl, E. (2012). Mandatory IFRS adoption and financial statement comparability. *Contemporary Accounting Research. Harvard Business School Accounting & Management*. Available at SSRN <http://ssrn.com/abstract>

Bruns, W., & Merchant, K. (1990). The dangerous morality of managing earnings. *Management Accounting*, 72(4), 22-25.

Cohen, D.A., Dey, A., & Lys, T.Z. (2008). Real and accrual-based earnings management in the pre- and post-sarbanes oxley periods. *The Accounting Review*, 83(3), 757-788.

- Chen, C.-W., Collins, D. W., Kravet, D.T. & Mergenthaler, R. (2013). Financial statement comparability and the efficiency of acquisition decisions. *Working Paper, University of Iowa and University of Texas at Dallas*. Available at: <http://ssrn.com/abstract>.
- Choi, J. H., Choi, S., Myers, L. & Ziebart, D. (2014). Financial statement comparability and the ability of current stock returns to reflect the information in future earnings, available at: <http://ssrn.com/abstract>.
- Dichev, I., (Skinner, D. (2002). Large-sample evidence on the debt covenant hypothesis. *Journal of Accounting Research*, 40(4), 1091-1123.
- De Franco, G., Kothari, S., (Verdi, R. (2011). The benefits of financial statement comparability. *J. Account. Res*, 49 (4), 895–931.
- Dechow, P., Sloan, R., Sweeney, A. (1995). Detecting earnings management. *The Accounting Review*, 70(2), 193–225.
- Ewert, R. & Wangenhofer, A. (2005). Economic effects of tightening accounting standards to restrict earnings management. *The Accounting Review*, 80(4), 1101-1124.
- Engelberg, J., Ozoguz, A., Wang, S., (2016). Know thy neighbor industry cluster, information spillover and market efficiency. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 21(3), 326-359.
- Graham, J.,C. Harvey, & Rajgopal, S. (2005).The economic implications of corporate financial reporting. *Journal of Accounting and Economics*, 40(3), 3-73.
- Gross,C., (Perotti, P. (2017). Output-based measurement of accounting comparability: A survey of empirical proxies. *Journal of Accounting Literature*, 39(22), 1-22.
- Gong, G., Li, L., & Zhou, L. (2013).Earnings non-synchronicity and voluntary disclosure. *Contemporary Accounting Research*, 30 (4), 1560–1589.
- Habib,A., Monzur Hasan,M., (Al-Hadi,A. (2017). Financial statement comparability and corporate cash holdings. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 3(13), 304-321.
- Harris, M., & Muller, K. (1999). The market valuation of IAS versus US-

- GAAP accounting measures using Form 20-F reconciliations. *Journal of Accounting and Economic*, 26(1-3), 285–312.
- Kim, Y., & Li, S. (2010). Mandatory IFRS Adoption and Intra-Industry Information Transfer. *Working Paper*. Santa Clara University.
- Kothari, S., Leone, A., Wasley, C. (2005). Performance matched discretionary accrual measures. *Journal of Accounting and Economics*, 39(1), 163–197.
- Lang, M., Maffett, M., Owens, E. (2010). Earnings Comovement and Accounting Comparability: The Effects of Mandatory IFRS Adoption. *Working Paper*, University of Rochester.
- Mergenthaler, R.D., Chen, C.W., Collins, D.W., & Kravet, T. (2014). Financial statement comparability and the efficiency of acquisition decisions. *Financial Accounting and Reporting Section Midyear Meeting*, Houston, Texas, January 10.
- Roychowdhury, S. (2006). Earnings management through real activities manipulation. *Journal of Accounting and Economics*, 42(3), 335-370.
- Schipper, K. (1989). Commentary on earning management accounting. *Accounting Horizons*, 3(4), 91-102.
- Sohn, B. C. (2016). The effect of accounting comparability on the accrual-based and real earnings management. *Journal of Account Public Policy*, 35(5), 513 -539.
- Yu, F. (2008). Analyst coverage and earnings management. *Journal of Financial Economics*, 88(2), 245–271.
- Zang, A. (2012). Evidence on the trade-off between real activities manipulation and accrual-based earnings management. *The Accounting Review*, 87 (2), 675–703.